تاریخ

گشتی در تاریخ نخستین بانک‌های ایرانی

■ بانک به شکل جدید، نخستین بار در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۶۷ ه.ش در ایران تاسیس شد. ناصرالدین‌شاه پس از لغو امتیاز رویتر برای جلب رضایت انگلیسی‌ها و جبران اقدام خود در لغو یک‌طرفه این امتیاز، امتیاز دیگری به مدت ۶۰ سال به بارون جولیوس رویتر اعطا کرد که تاسیس بانک شاهنشاهی در عمارت شرق میدان توپخانه در تهران بود. بدین‌ترتیب اولین بانک رسمی ایران با پشتوانه غیرایرانی، معادل یک میلیون لیره استرلینگ تشکیل شد و روز به روز توسعه یافت. این بانک می‌توانست ۸۰۰ هزار لیره انگلیسی براساس پشتوانه طلا و نقره، اسکناس منتشر نماید و برای انتشار بیش از این مبلغ به اجازه دولت ایران نیاز داشت. مسوولان انگلیسی بانک برای سودجویی بیشتر اقدام به چاپ اسکناس‌های گوناگونی برای نقاط مختلف کشور کردند و اسکناس‌های هر شهر فقط در همان شهر معتبر بود و تعویض اسکناس‌های شهرستان‌ها با پول جای دیگر مستلزم پرداخت نزول به بانک بود. به همین جهت اکثریت مردم، سکه‌های فلزی را به‌رغم سنگینی و وجود اشکال در حمل و نقل به پول‌های کاغذی ترجیح می‌دادند.

بانک شاهنشاهی تا سال ۱۳۰۹ ه.ش امتیاز نشر اسکناس را دارا بود و در این سال توسط

رضاخان (پهلوی اول) امتیاز حق انحصاری اسکناس به بانک ملی ایران واگذار شد. با این حال بانک شاهنشاهی تا بهمن‌ماه ۱۳۲۷ که دوران ۶۰ ساله امتیازش به پایان رسید از سایر حقوق مندرج در امتیازنامه برخوردار بود و پس از آن به بانک بریتانیایی خاورمیانه تغییر نام یافت تا اینکه در سال ۱۳۳۱ ه.ش برای همیشه تعطیل گردید.

بانک استقراضی روس

در دوران قاجاریه تسلط کامل دولت‌های خارجی بر اوضاع ایران کاملا مشهود بود و پادشاهان قاجار فقط به امتیاز دادن مشغول بودند و هرگاه امتیازی به یکی از اتباع انگلیس یا دولت آن کشور داده می‌شد، دولت روس برای اینکه از امپراتوری بریتانیا عقب نماند، فعالیت و کوششی همه‌جانبه برای اخذ امتیازی مشابه آن آغاز می‌کرد. در سال ۱۲۶۹ ه.ش، یعنی درست یک سال پس از تاسیس بانک شاهنشاهی، وزارت مالیه روسیه با دریافت اجازه‌نامه از دولت ایران، بانک استقراضی روس را با امتیازی به مدت ۷۵ سال و معاف از هرگونه مالیات در تهران دایر کرد. امتیاز بانک استقراضی روس به یکی از اتباع روس داده شد که به‌صورت یک شرکت خصوصی تشکیل گردید، چندی بعد این بانک به معاملات رهن اشیاء منقول پرداخت و بعد از آن دولت روسیه، سهام آن را خریداری و خودش اداره آن را به دست گرفت. سرمایه این بانک محدود نبود و آنچه لازم داشت از وزارت دارایی و اداره خزانه‌داری روسیه دریافت می‌کرد و در مدت کمی، سرمایه‌اش به اندازه‌ای افزایش یافت که به شاه وقت ایران هم وام می‌داد. تا آنجا که محمدعلی‌شاه با گرو گذاشتن جواهرات سلطنتی، مبلغ ۵۰هزار تومان از بانک استقراضی وام گرفت تا به سفر اروپا برود. بانک استقراضی روس علاوه بر معاملات تجاری به امتیازات ملکی و امور رهنی می‌پرداخت و مالک بسیاری

از مستغلات در تهران و شهرستان‌ها بود. بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی روس سخت با یکدیگر رقابت می‌کردند تا اینکه با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و استقرار دولت اتحاد جماهیر شوروی، وضعیت بانک استقراضی روس در ایران متزلزل شد و طبق قراردادی که بین ایران و دولت شوروی منعقد شد، دولت وقت روسیه یعنی دولت بلشویکی، بانک استقراضی روس را با کلیه نقدینگی، اشیای قیمتی و اموال منقول و غیرمنقول به دولت ایران واگذار کرد و تمام قروض دولت را ملغی نمود. بعد از آن وزارت دارایی کشور ایران بانک استقراضی را زیرنظر گرفت و «بانک ایران» را جانشین بانک فوق کرد و شخصی به نام «الکساندر توینانس» که یک ارضی‌تبار بود به ریاست بانک ایران منصوب شد. با این حال، این بانک در وصول مطالبات با مشکلات زیادی روبه‌رو شد و در سال ۱۳۱۲ ه.ش بانک ایران ضمیمه بانک کشاورزان و پیشه‌وران شد.

سر زدن به یادگاری استاد بزرگ مینیاتور ایران

خانه بهزاد کجاست؟ خیابان بهزاد کجاست؟

نیوشا صارمی

آدرسش این است: خیابان نوفلاح، نبش شهید کلهر

اما اگر به محله‌های خیابان انقلاب وارد نباشی به دردسر میفتی. حالا باز اگر مثل قدیم‌ها نام استاد حسین بهزاد روی خیابان بود، یک چیزی. اما حالا اسم «خانه بهزاد» برای خیلی‌ها ناآشناست. ساکنان محل هم هر روز بی‌تفاوت از کنارش رد می‌شوند و یادشان نمی‌آید که «حسین بهزاد» که بود و چه کرد.

خانه استاد بزرگ نقاشی ایرانی برعکس خیلی از خانه‌های تاریخی تهران خوشبختانه هنوز پابرجاست. آن هم به لطف بازسازی نه‌چندان پایبند به معماری سنتی و اصیل خانه. کاشی کوچکی هم که به دیوار نصب شده و نام خانه بهزاد را روی خود دارد، از کتیبه خیلی آپارتمان‌های اطراف کوچک‌تر و محقرتر است. شاید سرنوشت این بود که بهزاد، استاد بزرگ مینیاتور، افتخار ایران‌زمین، با وجود همه افتخار هموطنانش به این هنر، هیچ‌گاه در کشورش آن‌طور که شایسته است، قدر نبیند. چه قبل مرگ و چه بعد مرگ.

وقتی حسین، بهزاد شد

سال ۱۲۸۰ شمسی، حسین هفت‌ساله پدر و سپس استاد قلمدان‌سازش را از دست داد تا دور از مدرسه و با مشق نقاشی روزگار سختی را بگذراند. در ۱۸ سالگی صاحب مغازه مستقلی شد و به تدریج در کپی‌برداری از آثار بزرگان مینیاتور معجزه کرد. این کپی‌های غیرمجاز در آن زمان بارها به جای اصل اشتباه گرفته می‌شدند. حتی می‌گویند یکی از بزرگان وقت یک کتاب خطی خمسه نظامی را به بهزاد می‌دهد تا نگارگری کند و بعد در سفر به اروپا این کتاب را به عنوان یک نسخه قدیمی به بهای گزافی می‌فروشد و البته قرائی هم دست استاد تنگدست و بااستعداد ما را نگرفت. بعدها پسر جوان به این صرافت افتاد که به همین عنوان روزگار بگذراند. یعنی با مبلغی کم مینیاتور بکشد و بعد تاجران و عتیقه‌فروشان آن را به اروپا ببرند و صدها برابر به موزه‌ها و کلکسیونرها بفروشند و قالب کنند.

تا اینکه در سال ۱۳۱۴، باز لطف یک غیرایرانی اما در عین حال ایران دوست، به نام رابینو – مستشرق فرانسوی – شامل حال حسین بهزاد شد و توانست به پاریس برود. موزه لوور فرصت گرانبهایی برای او بود تا روی آثار مینیاتور مطالعه کند و شیوه کارش را بهتر و بهتر کند. در بازگشت به ایران حسین بهزاد به درجه‌ای رسیده بود که دیگر سفارشی کار نکند و آثار ماندگار هنری‌اش را خلق کند. ۴۰۰ اثر و البته ۱۷ نمایشگاه حاصل فعالیت‌های هنری این استاد مشهور هنر ایرانی بود. اینها را در بیوگرافی نصب‌شده داخل خانه، کنار عکس بهزاد هم می‌توانید پیدا کنید. عکسی که لو می‌دهد این خانه متاسفانه آن قدرها هم سبک و سیاق سابق و اصیلش را حفظ نکرده است.

همه خانه‌های بهزاد

اما خانه‌های بهزاد چند تاست؛ یکی که در ابن‌بابویه است، همان که بعد از مرگش در ۲۱ مهر ۱۳۴۷ اختیار کرد. این یکی هم که در خیابان بهزاد بود، حالا در خیابانی به نام دیگر است و فقط همان خانه مانده. خانه‌ای که وصیت کرده بود در آن آموزش هنر برپا شود. اتفاقا همین‌طور هم شد و پسر بهزاد در اوایل دهه ۷۰ به همین شرط آن را به سازمان میراث فرهنگی تحویل داد و بعد از چند سال بازسازی حالا هنرهای سنتی در آن تدریس می‌شود و هنرجو هم کم ندارد.

اما یک ساختمان دیگر هم نام بهزاد دارد؛ موزه‌ای در خیابان ولیعصر، در مجموعه کاخ سعدآباد. در سال ۱۳۷۳ به مناسبت صدمین سال تولد استاد، موزه بهزاد افتتاح و آثار نقاشی‌اش در چهار سالن به نمایش گذاشته شد. حالا با بلیت ارزان ۳۰۰ تومانی می‌توانید آثاری بسیار مشهور و ماندگار مانند چوگان‌بازی، مناظره شیرین و فرهاد، رمال، عقدکنان، سقای شل و... و چهره‌نگاری‌های معروف بهزاد از حافظ، سعدی، خیام و عطار را ببینید.

خاصیت خانه‌ها و خیابان‌ها

حالا می‌شود سطرها و سطرها غر بزنیم و ایراد بگیریم از اینکه بازسازی خانه بهزاد، اصولی نبوده. اینکه صاحبخانه خوب شناسانده نشده و یک تابلوی کوچک در آن محله شلوغ همه معرف این خانه تاریخی و باارزش است. اما وقتی یاد خانه‌های تاریخی دیگری مثل خانه سهراب یا خانه پروین اعتصامی می‌افتیم باز کمی دلگرم می‌شویم یا حتی خانه دایی‌جان ناپلئون که در حافظه تاریخی هزاران هزار ایرانی جا داشت؛ اما هستند کسانی که در این میان، نظر دیگری هم دارند. آنها می‌گویند خانه بهزاد، همان تابلوها و آثار جهانی‌اش است، نه این خانه کوچک خیابان نوفلاح. حرف بیراهی نیست اما صحبت از حفظ اصالت و فرهنگ و هنر یک شهر و یک تمدن است. خانه بهزادها باید به عنوان سمبلی از تهران قدیم بمانند. تهرانی که زمانی در خانه ساختن‌اش، ظرافت‌هایی به کار می‌رفت که محصول ذوق و هنر ایرانی بود، نه مثل این ساختمان‌های بدقواره و بی‌تناسب با ما. محله‌ها و ساختمان‌های قدیم فقط سنگ و آجر و چوب نیستند، از روزگار رفته این سرزمین حکایت‌ها دارند. بخشی از میراث جمعی ایرانیان هستند که اصلا نباید نسبت به ویرانی‌شان بی‌تفاوت بمانیم. خوشبختانه برخلاف مزار سوت و کور بهزاد در ابن‌بابویه که کمتر کسی سراغش را می‌گیرد، خانه بهزاد و موزه بهزاد پابرجایند و کم‌وبیش پررونق می‌ماند فقط قضیه خیابان بهزاد که کاملا حق او است اما از او دریغ شده است.

خیابانی که نیست

در دهه ۴۰ شمسی مصوب شد که دولت مادام‌العمر به استاد بهزاد، مستمری پرداخت کند و خیابانی را هم که خانه‌اش در آن قرار داشت، به نامش کرد. اکنون این خیابان به نام شهید بزرگوار نوفلاح نام‌گذاری شده اما می‌شود به پیشنهاد مجله تندیس عمل کرد و خیابان را با تقسیم به شمالی و جنوبی نام هر دو بزرگوار را روی آن گذاشت یا خیابانی دیگر در آن محله را به نام استاد حسین بهزاد کرد. گویا زمانی یکی از اعضای شورای شهر هم قول مساعد در این‌باره داده بود اما هنوز که این قول عملی نشده. به هرحال یک خیابان برای نام‌گذاری، کمترین سهم برای بهزاد است که «ژان کوکتو» نویسنده و هنرمند معروف فرانسوی درباره‌اش گفته است: «بهزاد پیغمبر افسونگری است از مشرق‌زمین داستانسرا. اگر همیشه مشرق‌زمین به قصه‌های هزار و یک شب و کاخ‌های طلایی و کنیزکان زیبایش برای ما داستان‌ها می‌گفته، این بار، مردی با موهای سفید و چشمان بانفوذ و اندامی با خط‌ها و رنگ‌هایش اشکال افسون‌کننده در مقابل چشمان ما گسترده است. بدون شک در مینیاتور قرن ما، یک استاد از جهت قدرت طرح و رنگ‌آمیزی وجود دارد که او حسین بهزاد هنرمند ایرانی است.»

بانک‌ملی

وقتی بالاخره بانک «ملی» شد

■ در پنج آذرماه سال ۱۲۸۵، عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی با توجه به ضرورت زمان، خواستار تاسیس یک بانک ملی ایران با سرمایه فرد ایرانی یا دولتی شدند.

گروهی از بازرگانان و تجار با ارایه این درخواست، برای مشارکت آمادگی خود را اعلام کردند و در نتیجه، اجازه تاسیس بانک ملی صادر شد و طی اعلانی از مردم دعوت به عمل آمد تا نسبت به خرید سهام بانک اقدام کنند. با تمام کوشش‌هایی که برای تاسیس بانک ملی و کوتاه کردن دست روس و انگلیس از امور مالی و داخلی کشور به عمل آمد، بر اثر مخالفت‌های این دو کشور و به‌ویژه قرارداد ننگین ۱۹۰۷ میلادی (۱۲۸۶ه.ش) که بین دولت‌های روس و انگلیس منعقد شد منجر به تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ آن کشورها شد و تمام نقشه‌ها، نقش بر آب شد و امکان ایجاد بانک ملی از دست رفت و تحقق آرزوی مردم ایران به تعویق افتاد. پس از پایان جنگ جهانی اول و خروج اشغالگران از ایران، سرانجام قانون تاسیس بانک ملی در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ به تصویب مجلس رسید و در ۲۰ شهریور ۱۳۰۷ بانک ملی رسما در دو شعبه بازار تهران و بندر بوشهر، کار خود را آغاز کرد. اولین مدیرعامل بانک ملی، دکتر کورت لیندن

بلات آلمانی بود که ۷۰ کارمند آلمانی را با خود به ایران آورد. سرمایه اولیه این بانک ۲۰میلیون ریال در نظر گرفته شد که هشت میلیون ریال آن نقدا از سوی دولت پرداخت شد. در خردادماه سال ۱۳۰۹، دولت حق انتشار اسکناس را به مبلغ ۲۰۰ هزار لیره انگلیسی از بانک شاهنشاهی بازخرید و آن را به بانک ملی واگذار کرد و از اول فروردین ۱۳۱۱ ه.ش، نخستین اسکناس‌های بانک ملی در سطح کشور انتشار یافت که برخلاف اسکناس‌های منتشره از سوی بانک شاهنشاهی در سراسر ایران دارای ارزش بود. این بانک در واقع اولین بانک ایران و مادر تمام بانک‌هایی بود که در سال‌های بعد در ایران پا گرفتند.

قلعه ارگ در گذر تاریخ

اماکن تاریخی

ارگ تهران که روزگاری در شمال شهر قرار داشت و بعدها به دلیل گسترش شهر در مرکز آن قرار گرفت، یکی از ساختمان‌هایی بود که در دوره صفویه ایجاد شد و بعدها به دستور کریم‌خان زند، خندقی در اطراف آن حفر شد. در سال ۱۲۶۷هـ.ق به دستور امیرکبیر، حصارک ارگ تجدید بنا و کوچه‌های آن برای حرکت کالسکه تعویض شد. قلعه ارگ، ۱۲ برج نیم‌هلال داشت که سوراخ‌هایی جهت نگهبانی و تیراندازی در آن تعبیه شده که اطراف عمارت داخل ارگ را در برمی‌گرفت. از عمارات معروف این قلعه، کاخ گلستان، عمارت سفره‌خانه، عمارت موزه، عمارت کریم‌خان زند، عمارت حوضخانه، عمارت تخت مرمر، کاخ ابیض، عمارت خوابگاه، مسجد ارگ و امثال آن بود. ارگ سلطنتی، قوانین و مقررات خاصی داشت که از مضحک‌ترین و در عین حال رقت‌انگیزترین آن در زمان جلوس ناصرالدین شاه حاجت خواستن و بست نشستن ساکنین ارگ در پای درختی به نام «چنار عباس علی» بود. این درخت افسانه‌های زیادی را بر سر زبان‌ها انداخته بود.

ساختمان‌های داخل ارگ

کاخ گلستان

یکی از عمارات نسبتا مهم داخل ارگ که هنوز هم پابرجای مانده، کاخ گلستان است که به علت قرار داشتن در محوطه باغی پر از انواع درختان گل و میوه، به این اسم شهرت یافت. باغچه‌هایی که در وسط کاخ یا پیرامون آن وجود داشت، عبارت بود از خیابان‌های دراز و مشجری که در کنار آنها درختان چنار و سرو، سر به آسمان کشیده بود. حوض و حوضچه‌های کوچک و بزرگ مستطیلی یا مربع‌شکل با کاشی‌هایی به رنگ آبی که در کف و پاشویه آنها قرار داشت این کاخ را بسیار شاعرانه و خیال‌انگیز جلوه‌گر می‌ساخت. دیوار این کاخ پوشیده از نقاشی‌هایی از سربازان مسلح با سبیل‌های کلفت و ابروانی پرپشت که چهره آنان را خشن و پرهیبت نشان می‌داد، است. یکی از بخش‌های کاخ گلستان، تالار آینه بود که کف این تالار را یک تخته فرش هراتی که از بزرگ‌ترین و زیباترین فرش‌های ایران بود، می‌پوشاند. صندلی و مبل‌های این تالار همه طلاکاری شده و رویه آنها از پارچه زربافت بود. تخت معروف طاووس که گفته می‌شود توسط نادرشاه افشار به ایران آورده شده و تماما از طلاست از اشیای تجملی این تالار محسوب می‌شد.

عمارت سفره‌خانه

از جمله عماراتی که در ارگ سلطنتی وجود داشت عمارت سفره‌خانه بود که میهمانان خارجی در آن پذیرایی می‌شدند و همچنان برقرار بود تا سال ۱۳۱۸هـ.ش که ولیعهد پهلوی به مرض حصبه یا یرقان مبتلا شده و اطبا از معالجه‌اش دست کشیده بودند و کار به نذر و نیاز و اطعام انجامید که سر تا سر ماه رمضان فقرا و مساکین، افطارها را در آن اطعام می‌کردند و پس از آن برای همیشه تعطیل شد.

عمارت موزه

عمارت موزه، مرکب از پنج دستگاه ساختمان بزرگ با گنبدهای مرتفع به رنگ آبی بود و روی دیوارهای آن گچ‌بری‌های ماهرانه به چشم می‌خورد. اصلی‌ترین ساختمان عمارت، محلی بود که پهلوی اول در آن تاجگذاری کرد. دیدنی‌ترین اشیاء این موزه یک کره جغرافیایی تمام طلا بود که به جام جهان‌نما شهرت داشت. این کره قیمتی و بی‌نظیر که برای آن ۳۴ کیلو طلای ناب و ۳۷۵۷ گرم از انواع جواهرات به کار رفته، بر پایه‌ای از طلای مرصع به جواهرات قرار گرفته که در حکم اسباب‌بازی ناصرالدین شاه بود که هم اینک در موزه جواهرات ملی واقع در بانک مرکزی نگهداری می‌شود.

عمارت کریم‌خانی

این عمارت که محل فرمانروایی اندک کریم‌خان زند بود، از عمارت‌های معروف ارگ شد چرا که آغامحمدخان قاجار بعد از روی کار آمدن برای گرفتن انتقام و عقده نشانی، استخوان‌های کریم‌خان زند را در پله‌های این عمارت دفن کرد که در هر رفت‌وآمدن، استخوان‌های وی را بلرزاند اما از آنجا که گفته‌اند دنیا دار مکافات است خود وی نیز سرنوشتی همین‌گونه داشت و سرسلسله پهلوی بعد از کودتای خود، دستور داد با جسد آغامحمدخان همین معامله را بکنند.

کاخ ابیض

کاخ ابیض، مقر حکمرانی سلطان احمدشاه، آخرین پادشاه سلسله قاجار بود که جمله معروفش همچنان ضبط اذهان شد که روزی در پاسخ و تشکر تهنیت‌گویان می‌گوید: خلاف این سخنان می‌بایست گفتن، چه پادشاهی کردن به مشتی فقیر و علیل چندان افتخاری هم نمی‌باشد.

عمارت خوابگاه

عمارتی با پنج اتاق، وسط خوابگاه پادشاهان قاجار بود و چهار اتاق در اطرافش که یکی مخصوص خدمه خلوت و طرب و دیگر آبدارخانه و یکی اختصاص به زنان داشته که در آن به پیرایش خود می‌پرداختند و یکی خاص سوگلی پادشاه. این خوابگاه که به خوابگاه ناصرالدین شاه معروف شد بعدها به عنوان وزارت دارایی مورد استفاده قرار گرفت و در سال‌های بعد آن را تخریب کرده و ساختمان وزارت دارایی فعلی را جایش ساختند.

مسجد ارگ

از ساختمان‌های خارج محدوده اندرون، مسجد ارگ بود که در تلاقی خیابان اندرون و باب همایون واقع شده است که به دستور مهدعلیا، مادر ناصرالدین‌شاه ساخته شد که زنان حرم در آن نماز می‌گزاردند. می‌گویند مهدعلیا که شهرت خوبی نداشت، امروزه مسجد ارگ از معروف‌ترین مساجد در تهران است که همچنان پا برجا مانده است.

جدول ۱۱۹۸

افقی:

۱- معادل فارسی «تیراژ» - شاه هند از سلسله گورکانی که تاج محل را برای مقبره همسرش «ممتاز محل» ساخت ۲- نفت سیاه - آغشتن ۳- بنابراین - عقاب سیاه - جواهرفروش - یازده ۴- مرطوب و نمناک - از خواهران برونته - پهلوان - خودبینی و تکبر ۵- فریاد تظلم - شادی - رشوه‌خواری ۶- مادری - از استان‌های آذری - پایتخت کشور جزیره‌ای «نائورو» ۷- دوستان - مرکز کشور کوبا ۸- موسیقی جوانان - آغاز و شروع - نوعی ابریشم پست - شادی و نصیب ۹- شهری در استان یزد - وزنه ورزشی ۱۰- فال نیک - حسن - معبود ۱۱- ایالتی در آلمان - نام پرمحبت زنانه - گرفتار و دربند ۱۲- درختی جنگلی شبیه بلوط - پسوند شباهت - پول ژاپن - مهارتی در فوتبال به معنی توقف توپ ۱۳- قلب - فرمانده یک گروه نظامی - قاصد - جنس مذکر ۱۴- بیگانه - مشابه و همانند ۱۵- پایانه - فاصله بین دو پرده نمایش

عمودی:

۱- فیلسوف ایده‌آلیست آلمانی بنیان‌گذار مکتب اراده‌گرایی - اقدام به عملی ۲- زهرها - رشته‌ای در ژیمناستیک ۳- حرف انگلیسی - برادر مادر - روبیدن و سبز شدن - غصه ۴- ردیاب - شاداب و تازه - مجموعه ۵- پسوند اداکننده (گزارنده) - مرغابی - نامی دخترانه و از گل‌ها ۶- نخست - شهری در سیستان و بلوچستان - سخنوران ۷- یادداشت - کشور عربی با مرکز «امان» - نصف - ساکن جایی ۸- جهت مقابل شمال - از بیماری‌های پوستی ۹- نویسنده شوخ طبع ایرلندی مولف «ژاندارک» - اندام تنفسی - دریاچه‌ای در مرز کانادا و آمریکا - حرف ندا ۱۰- خدایی - ترانه خواب کودکان - پایتخت چین ۱۱- اثری از «گی دوموپاسان» نویسنده فرانسوی - حاکم ایالت - فرمان توقف ۱۲- غیرشوخی - مدیریت - جایزه سینمایی ۱۳- نفس خسته - گاز مرداب - مستقیم - رمق آخر ۱۴- سوره ۹۴ قرآن مجید - تیم و بندر فرانسوی ۱۵- هویدا و آشکار - ظاهربین، آنکه به باطن توجه ندارد

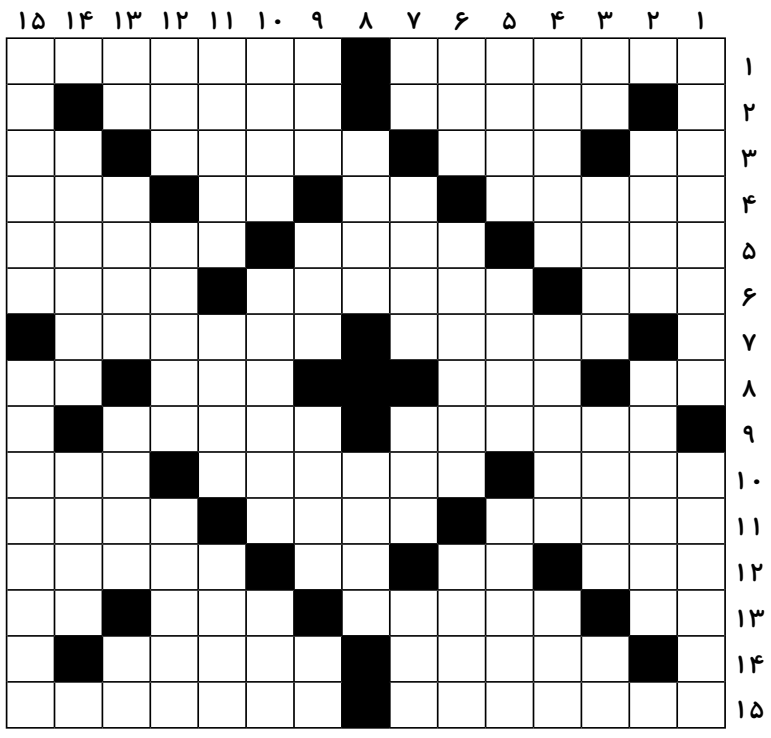

حل جدول ۱۱۹۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	خ	ا	و	ت	م	ن	د	■	ک	ا	ر	د	ا	ن
۲	ط	■	ک	ا	ر	ا	ی	ی	■	ف	ن	ا	و	ر	ی
۳	ر	ا	■	م	و	ن	س	■	ی	ا	■	ه	م	ا	م
۴	■	د	ی	د	ر	و	■	ط	ا	ل	ب	ی	■	م	س
۵	ا	م	ر	ا	■	ر	ی	و	س	ت	ا	■	ح	ی	ا
۶	س	ی	ا	ر	ه	■	ق	ط	ر	■	ر	ج	ا	■	ز
۷	ر	ز	ق	■	د	ا	ی	ی	■	س	ف	ا	ر	ش	■
۸	ا	ا	■	ق	ر	ی	ن	■	م	ح	ر	م	■	ی	م
۹	■	د	ر	ن	د	ه	■	د	ا	ر	و	■	پ	ر	و
۱۰	ا	■	ا	د	ا	■	ش	ک	م	■	ش	ن	ا	و	ر
۱۱	س	ب	د	■	د	ی	و	ا	ن	ه	■	م	ر	ش	د
۱۲	پ	ی	■	س	ن	گ	ی	ن	■	م	س	ک	و	ک	■
۱۳	ا	م	ا	ل	■	ا	د	■	ک	ا	ت	د	■	ر	خ
۱۴	س	ا	ر	ب	ا	ن	■	م	ر	ی	و	ا	ن	■	ط
۱۵	م	ر	ا	س	ل	ه	■	ا	ی	ی	ن	ن	ا	م	ه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۲۰۶

۵	۶		۸					
		۹	۱	۷	۵			۶
		۳				۲		
۶			۹		۴	۵		۱
۷		۸	۳			۴	۲	
۹			۵					۳
		۶			۸	۹	۱	
	۹			۱			۳	
			۴	۹			۶	

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۲۰۵

۵	۶	۱	۳	۷	۲	۹	۴	۸
۸	۳	۴	۹	۱	۵	۷	۲	۶
۷	۲	۹	۸	۴	۶	۳	۵	۱
۹	۱	۶	۲	۳	۴	۸	۷	۵
۳	۵	۸	۷	۹	۱	۴	۶	۲
۴	۷	۲	۶	۵	۸	۱	۹	۳
۶	۹	۷	۵	۸	۳	۲	۱	۴
۱	۸	۵	۴	۲	۹	۶	۳	۷
۲	۴	۳	۱	۶	۷	۵	۸	۹